

سیاست‌گذاری منطقه‌ای ایران در حوزه دیپلماسی انرژی در چارچوب اقتصاد سیاسی منطقه‌ای (۲۰۰۳-۲۰۱۹)

سید رضا شهنازی‌زاده^۱

گارینه کشیشیان سیرکی*

حسن خداوردی^۲

۸۱

چکیده

اقتصاد سیاسی خاورمیانه برای بیش از یک قرن است که بر منطق و محور تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای انرژی و دیگر مولفه‌های مضاف بر آن می‌چرخد. تکیه زیاد بر منابع انرژی خام در عین ایجاد محدودیت‌های همه‌جانبه بر کشورهای دارنده آن، اما زمینه را برای پویایی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک بر محور انرژی ایجاد کرده است. در این میان، یکی از فاکتورهای پویایی نقش انرژی بر سیاست خارجی منطقه را، دیپلماسی انرژی شکل می‌دهد، که شاید بتوان آن را از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین حوزه‌های دیپلماتیک در روابط بازیگران منطقه‌ای، خصوصاً دو غول انرژی منطقه، یعنی ایران و عربستان و دیگر بازیگران مهم چون کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس به حساب آورد. از همین منظر، مقاله حاضر در تلاش است تا به تحقیق پیرامون این سؤال پردازد که «تحولات دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹، از چه الگویی از رفتار سیاست خارجی پیروی نموده است؟» نتایج و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که الگوهایی کلیدی روابط ایران با خاورمیانه از دو مولفه‌های کلیدی تعامل ناچیز و تقابل شدید و حداکثری در حوزه دیپلماسی انرژی و در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای در طول سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ پیروی نموده است. در این مقاله از روش تحقیق تحلیلی - تفسیری و آماری موردی با استناد به منابع دسته اول انرژی و دیپلماسی استفاده می‌شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی انرژی، اقتصاد سیاسی، ژئوپلیتیک انرژی، نفت، گاز، خاورمیانه

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

۲ و ۳. گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* g.keshishyan71@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و چهارم، صص ۱۱۴-۸۱

مقدمه

اهمیت پیدا کردن مقوله‌ای تحت عنوان «انرژی» در عرصه مناسبات بین‌المللی و سیاست خارجی کشورها در ارتباط با یکدیگر، زمینه ظهور مفهومی نوین تحت عنوان «دیپلماسی انرژی» در ادبیات سیاست خارجی کشورهای را به همراه داشته است. در واقع، دیپلماسی انرژی به‌عنوان یک پدیده مستقل در نیمه دوم قرن بیستم و با تأسیس سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) ظهور کرد. دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی کشورها دارای کارکردهای متنوع و متعددی است. دیپلماسی انرژی ابزاری در عرصه سیاست خارجی است که دسترسی به عرضه انرژی و ارتقای همکاری‌های دوجانبه در بخش انرژی را ممکن می‌سازد و با این کار سبب می‌شود تا احتمال وقوع منازعه‌ها و ریسک‌های تند، کاهش یابد.

در این میان جمهور اسلامی ایران به‌علت واقع شدن در مهم‌ترین منطقه حامل ذخایر انرژی در سطح جهانی یعنی «خاورمیانه» سیاست خارجی‌اش در مناسبات با کشورهای منطقه و جامعه جهانی، تحت تأثیر مناسبات دیپلماسی انرژی قرار گرفته است. در حقیقت، جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در خلیج فارس را می‌توان بر اساس قابلیت‌های مربوط به جزایر منطقه‌ای در خلیج فارس، عمق دریایی خلیج فارس و قابلیت ایران برای کنترل کانال‌های تردد کشتی‌های نفتکش از منطقه مورد توجه قرار داد. از همه مهم‌تر این که ایران از توانایی ابزاری و جغرافیایی برای کنترل تنگه هرمز نیز برخوردار است. چنین کشورهایی از جایگاه و نقش منطقه‌ای لازم برای تحرک ژئوپلیتیکی و همچنین پیگیری دیپلماسی انرژی برخوردارند.

بر همین مبنا، از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی دیپلماسی انرژی از یک سو، ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی ایران در منطقه و سطح بین‌المللی بوده و از سوی دیگر، قدرت‌های فرامنطقه‌ای و کشورهای رقیب تهران در خاورمیانه نیز تلاش کرده‌اند از دیپلماسی انرژی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد فشار با کنترل قدرت ایران بهره بگیرند. همین ملاحظات موجب شده که جمهوری اسلامی ایران، در حوزه دیپلماسی انرژی

1. Energy Diplomacy
2. The Organization of the Petroleum Exporting Countries

همواره الگویی را برای خود تعریف کند تا از مسیر آن بتواند راهبرد خود در حوزه اقتصاد سیاسی جهانی و منطقه را مدیریت نماید. به ویژه این مسأله در سال‌های بعد از ۲۰۰۳، یعنی اشغال نظامی عراق توسط ایالات متحده آمریکا اهمیتی دو چندان پیدا کرده و استراتژیست‌های ایرانی از یک طرف و رقبای ایران در حوزه اقتصادی سیاسی بین‌الملل از طرف دیگر، تمرکز خود را بر الگوهای حاکم بر دیپلماسی انرژی ایران معطوف کرده‌اند.

حال با عنایت به این مقدمات، هدف نوشتار حاضر بر مبنای پرسش حاضر که «تحولات دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹، از چه الگویی از رفتار سیاست خارجی پیروی نموده است؟» تلاش دارد تا به راستی‌آزمایی این فرضیه بپردازد که «دیپلماسی انرژی ایران با توجه به بستر اقتصادی سیاسی منطقه‌ای در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹، از الگوهایی از تقابل گسترده و تعامل ناچیز پیروی کرده که زمینه را برای تبدیل شدن فاکتور انرژی به یک ابزار امنیتی‌ساز در روابط متقابل ایران با کشورهای خاورمیانه، فراهم نماید». لازم به ذکر است، علت انتخاب سال ۲۰۰۳ به عنوان آغاز بررسی سیاست‌گذاری منطقه‌ای ایران در حوزه دیپلماسی انرژی، در تحولات این سال پس از حمله آمریکا به عراق و تحول در وضعیت اقتصاد انرژی بین‌المللی و نیز دیپلماسی در خاورمیانه می‌بایست دانست. در این سال، سیر دیپلماسی در منطقه وارد فاز نوینی می‌شود، که انرژی نیز یکی از کانون‌های کلیدی تحرک آن است.

متغیرهای حاصل از این فرضیه به این شکل است که سیاست‌گذاری منطقه‌ای در حوزه دیپلماسی انرژی متغیر مستقلی بوده که بر روندهای تقابل گسترده و تعامل ناچیز که زمینه را برای تبدیل شدن فاکتور انرژی به یک ابزار امنیتی‌ساز در روابط متقابل ایران با کشورهای خاورمیانه فراهم نموده که به عنوان متغیر وابسته مستخرج از آن است. روش پژوهش در این مقاله به شکل پژوهش تبیینی - توصیفی مورد محور بوده و با رجوع به منابع و آمارهای دسته‌اول مرتبط با موضوع درصدد پیگیری فرضیه اصلی نوشتار می‌باشد. هدف از مقاله حاضر، فهم روندهای سیاست‌گذاری نظری و عملی

جمهوری اسلامی ایران و تاثیرات این سیاست‌گذاری‌ها بر حوزه دیپلماسی انرژی در سطح منطقه‌ای، بر مبنای اقتصاد سیاسی منطقه‌ای می‌باشد.

۱. چارچوب نظری: مکتب کپنهاگ با تاکید بر مساله امنیتی شدن

نظریه پیچیده مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در اصل یک نظریه متأخر امنیت در دانش روابط بین‌الملل است که توسط باری بوزان و اوله ویور ساخته و پرداخته شده است و آن را برای اولین بار در اثری به سال ۲۰۰۳ تحت عنوان «منطقه‌ها و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی» عرضه کردند. این نظریه تلاش دارد تا بررسی موضوع امنیت را به‌عنوان یک ساختار اجتماعی مطرح نماید (Gupta, 2010: 52). مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان الگوی مشخص و پایدار تعامل امنیتی بین بازیگران تعریف می‌شوند. اما مجموعه‌ها از لحاظ درجه تعامل از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطح تعامل بین اعضای یک مجموعه اگرچه زیاد است، اما بین اعضای مجموعه‌های مختلف این تعامل نسبتاً پایین است (Buzan and Wæver, 2003: 187).

در چشم‌انداز این نظریه، نگرانی‌های امنیتی یک بازیگر در درجه اول در/ از همسایگی آن‌ها برمی‌خیزد. در نتیجه، امنیت هر بازیگر در یک منطقه با امنیت سایر بازیگران در یک وضعیت درهم‌کنشی بیشتر نسبت به کشورهای غیرهمسایه قرار دارد. بر همین مبنا، بیشتر نگرانی‌های امنیتی کشورها از مسافت‌های طولانی برنمی‌خیزند و تهدیدها در همسایگی یک بازیگر به احتمال زیاد قوی‌ترین آن‌ها نسبت به تهدیدهای دور هستند. بوزان و ویور منافع امنیتی را طبیعتاً بر منطق منطقه‌ای مبتنی می‌کنند. این ایده مخالف دیدگاه غالب در طول جنگ سرد است که سیاست امنیتی را تا حد زیادی بازتاب منافع قدرت‌های بزرگ جهانی می‌داندست. بوزان و ویور به‌عنوان نمونه به خاورمیانه اشاره می‌کنند، جایی که چشم‌انداز امنیتی با وجود پایان یافتن جنگ سرد، هیچ تغییری نداشته است (Buzan and Wæver, 2003: 191).

ضروری است به سه دیدگاه کلان پیرامون نقش مناطق و جایگاه آن توجه شود. اولاً، بازیگران بین‌المللی در هر سطح و موقعیتی که قرار دارند، دارای رفتارهای مشخصی خواهند بود و بنابراین، سطح منطقه‌ای نیز جایگاه ویژه و جداگانه‌ای نخواهد یافت. ثانیاً،

مناطق را به صورت جدا از هم فرض نموده و معتقد است که مفروضات و متغیرهای هر منطقه، خاص همان منطقه می‌باشد و قابل تعمیم و تطبیق به سایر مناطق نیست. ثالثاً، نگاهی میانه و حد وسط به دو دیدگاه قبلی دارد. از نظر این دیدگاه، مناطق دارای سطح تحلیل جداگانه هستند و از سطوح بالاتر و پایین‌تر خود تاثیر پذیرفته و نیز تاثیرگذار می‌باشند. اما از سوی دیگر، هر چند مناطق از نظر ویژگی‌ها با هم فرق دارند، اما ضرورتی برای طرح معیارهای مخصوص به هر منطقه وجود ندارد و تنها تفاوت‌های مناطق در «ساختار امنیتی» آن‌ها می‌باشد (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۷۵ و Buzan & Waever, 2003: 446 و کوزه‌گر کالجی و داد اندیش، ۱۳۸۹: ۷۹).

یکی از معیارهای اصلی شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «وابستگی متقابل شدید» میان گروهی از کشورها است که اعضای این مجموعه را تشکیل می‌دهند. منظور از وابستگی متقابل امنیتی در این نظریه تأثیر و تأثر اعضای تشکیل‌دهنده مجموعه است، به طوری که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه شود (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۷۹). دومین ویژگی تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان، وجود «الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها» است. تشکیل‌دهنده مجموعه است. منظور وی از دوستی، بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها، طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌شود و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدها است که در آن «سوءظن» و ترس حاکم باشد (Buzan & Waever, 2003: 40-89).

سومین معیار مجموعه امنیتی منطقه‌ای، مجاورت است. مجاورت به‌عنوان یکی از معیارهای مجموعه امنیتی بدین معناست که مجموعه امنیتی از دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، پدید می‌آیند. به بیان دیگر، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از جزء به کل یا از درون به بیرون شکل می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). بر اساس معیار استقلال نسبی، و به‌عنوان چهارمین ویژگی، مجموعه امنیتی در جایی وجود دارد که

1. Security Interdependence
2. Pattern Of Amity And Enmity
3. Misunderstanding

روابط امنیتی، گروهی از کشورهای را از سایرین جدا کرده و به یکدیگر پیوند زده است و بر کنش و واکنش‌های درونی شدید امنیتی و کنش و واکنش‌های محدود و ضعیف خارجی حاکم باشد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۱ و داد اندیش و کالجی، ۱۳۸۹: ۸۱).

مطابق با معیار پنجم، نمی‌توان یک مجموعه امنیتی را بدون حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر منطقه‌ای تصور کرد. این ملاک، ما را به این اصل رهنمون می‌سازد که مجموعه امنیتی منطقه‌ای نمی‌تواند توسط تعدادی کشور ضعیف از یک منطقه شکل بگیرد. اما شکل‌گیری آن با حضور حداقل دو قدرت منطقه‌ای مؤثر و چندکشور ضعیف از یک منطقه امکان‌پذیر است (داد اندیش و کالجی، ۱۳۸۹: ۸۱). بوزان آخرین مسأله در مورد تعریف ویژگی‌های مجموعه امنیتی را نقش عوامل اقتصادی می‌داند. در خصوص معیار اقتصادی بوزان با تفاوت قائل شدن میان این معیار و پویای سیاسی و نظامی، بر این باور است که عامل اقتصاد در ثبات و انسجام داخلی کشورها نقش دارد و در نتیجه می‌تواند بر مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مؤثر باشد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۱؛ داد اندیش و کالجی، ۱۳۸۹: ۸۲ و Buzan, 1991: 200-2).

اما، با توجه به بحث مقاله، مهم‌ترین بحث مکتب کپنهاگ نظریه «امنیتی ساختن» می‌باشد که بیشتر بر پایه معرفت‌شناسی سازه‌انگاری و واقع‌گرایانه قرار گرفته است. امنیتی ساختن به معنای خروج پدیده‌ها از حوزه «سیاست عادی» یا «سیاست‌های عمومی» و وارد کردن آن‌ها به حوزه امنیتی است (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱). ویور و بوزان بر اساس نظریه امنیتی ساختن امنیت را نوعی «اقدام گفتاری» می‌دانند. این مسأله از آنجا ناشی می‌شود که مکتب کپنهاگ زبان را «کارکردی» می‌داند و از این رو معتقد است که با بیان واژه امنیت، وضعیت سابق تغییر می‌کند. بر همین اساس، ویور نتیجه می‌گیرد که امنیت به‌عنوان نشانه‌ای که به چیز واقعی اشاره دارد نیست، بلکه بیان، خود نوعی اقدام و عمل است. به بیان واضح‌تر، آنچه برای امنیت مهم و سرنوشت‌ساز قلمداد می‌شود همان چیزی است که زبان می‌سازد (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۳). در نهایت،

1. Securitization Theory
2. Normal Politics
3. Public Politics
4. Speech Act
5. Performative

امنیت نه پدیده‌ای عینی و مربوط به خارج بلکه نتیجه فرایند اجتماعی خاص می‌باشد (Williams, 2003: 513-14). با رد عینی بودن مقوله امنیت، نظریه امنیتی ساختن امنیت را موضوعی «بیناذهنی» و «خود مصداقی» می‌داند. موضوع بیناذهنی به این مهم اشاره دارد که امنیت میان ارتباط بازیگر امنیتی ساز و مخاطب او ساخته می‌شود (Balzacq, 2005: 176-8).

فرایند امنیتی ساختن در مکتب کپنهاگ شامل سه مرحله است: (۱) شناسایی تهدیدات اساسی؛ (۲) اقدام اضطراری و فوری؛ و (۳) ایجاد تأثیر بر روابط بین واحد (شامل رویه‌های بوروکراتیک بناشده) به وسیله نقض قوانین. امنیتی ساختن نیازمند درک از تهدید اصلی؛ توانایی و قدرت معلق کردن قوانین وضع شده برای پاسخ به تهدیدات؛ و توانایی متقاعد کردن دیگران از احساس خطر و نیاز به نقض قوانین برای بقاست. لذا، از نظر مکتب کپنهاگ، مفهوم امنیت تابع روش تفسیری است و معنی آن در کارکرد آن نهفته است و چیزی نیست که بتوان آن را از لحاظ تحلیلی یا فلسفی بر اساس آنچه که باید بهترین باشد، تعریف کرد (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۷). از این رو، امنیتی خواندن یک مسئله همواره یک انتخاب سیاسی بوده است. حال با عنایت به این نظریه، تلاش می‌شود تا حوزه‌های تقابل در دیپلماسی انرژی ایران در خاورمیانه را بر مبنای مفهوم امنیتی ساختن مورد خوانش قرار دهیم.

۲. ادبیات پژوهش

در ذیل مهم‌ترین آثاری که در حوزه موضوعی رساله حاضر، پیش از نگارش این تز به تحریر درآمده است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

«دیپلماسی انرژی در زمان گذار انرژی» به قلم استیون گریفیتس (2019) مقاله‌ای است در خصوص نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی کشورهای دارای منابع انرژی با تمرکز بر کشورهای خلیج فارس و مطالعه موردی امارات است. وی در این مقاله بر این باور است که در میان ابزارهای سیاست خارجی که می‌تواند برای حمایت از

1. Intersubjective
2. Self Referential

اهداف یک کشور در مدیریت پیامدهای ژئوپلیتیکی گذار انرژی، چون یک منبع قدرت استفاده شود، دیپلماسی از مهم‌ترین آن‌هاست.

«بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل» به قلم اکبر صادقی؛ سید جلال دهقانی فیروزآبادی و هادی آجیلی (۱۳۹۷)، بر این امر تاکید دارد که دیپلماسی انرژی را می‌توان بخشی از سیاست کلان انرژی ایران در دوران‌های مختلف دانست. این امر زمینه‌های لازم را برای حفظ و افزایش سهم ایران در بازار اقتصاد جهانی فراهم می‌آورد. آن‌ها در مقاله‌شان تلاش می‌کنند تا موضوع دیپلماسی انرژی را به‌عنوان یکی از ضرورت‌های رفتار راهبردی ایران مورد بررسی قرار دهند.

احسان یاری و دانش رضایی (۱۳۹۶) در مقاله «دیپلماسی و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران»، یکی از الزامات رشد و توسعه اقتصادی کشورها در جهان کنونی را اتخاذ سیاست و دیپلماسی مناسب در راستای تأمین امنیت انرژی‌شان می‌دانند. با اینکه نوع نگاه به امنیت انرژی از سوی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی متفاوت است، اما نگارندگان این مقاله بر این باورند که در برخی موارد امنیت انرژی آن‌ها مکمل یکدیگر است؛ یعنی کشورها با آگاهی از سیاست‌های امنیت انرژی هم‌دیگر، می‌توانند با اتخاذ سیاست و دیپلماسی مناسب روابط همکاری جویانه و یا حاصل جمع مضاعف را در پیش بگیرند که حاصل آن افزایش بهره‌وری و سود هم برای مصرف‌کننده و هم تولیدکننده انرژی است.

عبدالرضا عالی‌شاهی و معصومه سالاروند (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶»، مساعی نویسندگان پیرامون تشریح، تحلیل و تفسیر این موضوع است که مهم‌ترین مولفه‌های دیپلماسی انرژی (نفت و گاز) در ایران و عربستان سعودی از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۶ چیست؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که مهم‌ترین مولفه‌های دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: دسترسی به بازارهای جهانی، جذب سرمایه‌های خارجی و ثبات در بازار انرژی.

در مقاله «دیپلماسی نفتی دست‌وپاگیر عربستان سعودی» به قلم سوزان مالونی (April 21, 2016)، نگارنده معتقد است، عربستان سعودی از نفت و انرژی به طور

کلی، چون اهرمی دیپلماتیک، در جهت برآوردن اهداف سیاست خارجی خود در رقابت و تنش با ایران بهره می‌گیرد. نتیجه امر، تلاش برای فشارآوردن بر این کشور با کارت انرژی در نتیجه پیوندهایی است که با کشورهای مصرف‌کننده و نیز آمریکا دارد. لذا، برای عربستان، در رقابت با ایران، نفت به یک اهرم اساسی دیپلماسی بدل شده است.

رابرت میسون (2014)، در کتاب «سیاست خارجی در ایران و عربستان سعودی: اقتصاد و دیپلماسی در خاورمیانه» به بررسی نقش دیپلماسی و اقتصاد انرژی در مناسبات دو کشور با خاورمیانه و نیز فضای بین‌المللی می‌پردازد. میسون با بررسی سیاست‌های خارجی عربستان سعودی و ایران در قبال یکدیگر و به نسبت به خاورمیانه و فراتر از آن، به این نکته اشاره می‌کند که چگونه سیاست نفت از جمله تولید نفت، قیمت‌گذاری و امنیت عرضه و تقاضا، مهم‌ترین عامل اقتصادی است که موجب می‌شود دیپلماسی و رقابت این دو قدرت محوری منطقه‌ای شکل بگیرد.

کارین نایسل (۲۰۱۱) در مقاله «دیپلماسی انرژی: دیپلماسی مهارت‌های نرم و یا قدرت سیاست؟» تلاش دارد تا نقش انرژی را در یک مرز دوگانه نرم و سخت مورد واکاوی قرار دهد. که آیا، دیپلماسی انرژی یک مهارت نرم و اهرم دیپلماتیک نرم است یا یک سیاست قدرت سخت؟ در همین راستا، وی از لابلای مثال‌های تاریخی که پیرامون نقش انرژی در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی مطرح می‌کند، به این نتیجه می‌رسد که جواب سؤال وی، در چارچوب پاسخی دوگانه، هر دو مورد را تأیید می‌کند. لذا، نفت به عنوان ابزاری دیپلماتیک در سیاست خارجی، دارای کارکرد نرم و سخت در ادبیات سیاست خارجی کشورها می‌باشد.

کریم سجادپور در مقاله‌ای انگلیسی در نهاد کارنیگی در سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «امارات متحده عربی و جنگ سرد ایران و آمریکا» مدعی است، در حالی که ایالات متحده در تلاش است تا از طریق تحریم‌های اقتصادی و انزوای دیپلماتیک، جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران را مهار کند، امارات متحده عربی (امارات متحده عربی) به ایفای نقشی مهم، اما غالباً مبهم پرداخته است. امارات متحده عربی، منبع اصلی واردات ایران و یک نقطه اصلی انتقال کالا از ایران به حساب می‌آید. لذا، ترکیبی از فشارهای

ایالات متحده و محدودیت اقتصادی و سیاسی جدید ابوظبی بر دویی باعث شده امارات متحده عربی در اجرای تحریم‌ها علیه ایران در سال‌های اخیر، محکم‌تر عمل نماید.

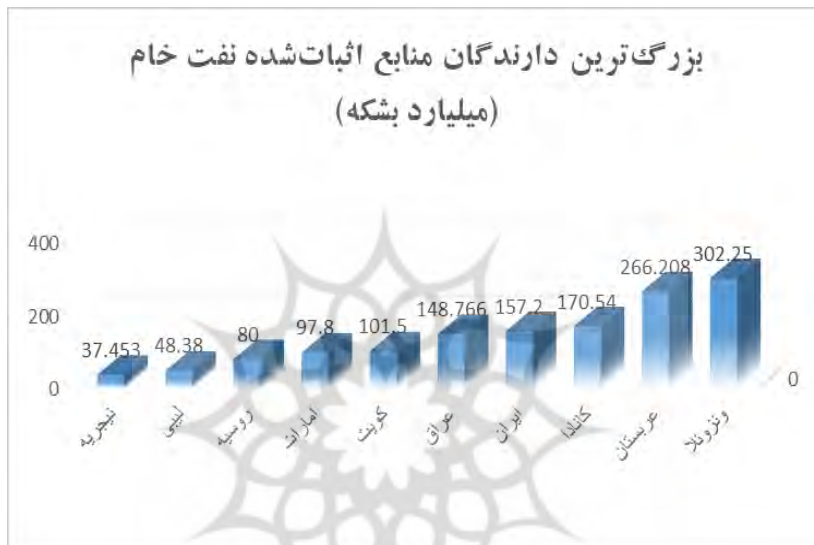
حسین پوراحمدی (۱۳۸۸) در مقاله «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» معتقد است ایران به‌عنوان کشوری که دارای ذخایر عظیم نفت و گاز در درون مرزهای ملی و پیرامون آن است، دیپلماسی انرژی ابزاری برای پیشینه‌ساختن دستاوردها از نظام اقتصاد سیاسی جهانی محسوب می‌شود. این در حالی است که غالباً در خط‌مشی خارجی ایران، نگاه اقتصادی از موضوعیت کمتری نسبت به ملاحظات سیاسی برخوردار بوده است. در نتیجه، غلبه نگاه بازرگانی در موضوع انرژی که از عدم لحاظ‌شدن نگاه بلندمدت و راهبردی به مسائل بخش انرژی در رویکرد خارجی، دیپلماسی انرژی، حکایت می‌کند، بیانگر این است که ایجاد تحول در شرایط عمومی بازیگری منطقه‌ای و بین‌المللی کشور نیازمند مدنظر داشتن راهبردهای بلندمدت بخشی و از جمله برای سیاست خارجی است.

۳. حوزه‌های شکل‌دهنده به دیپلماسی انرژی ایران

۳-۱. منابع انرژی چشم‌گیر

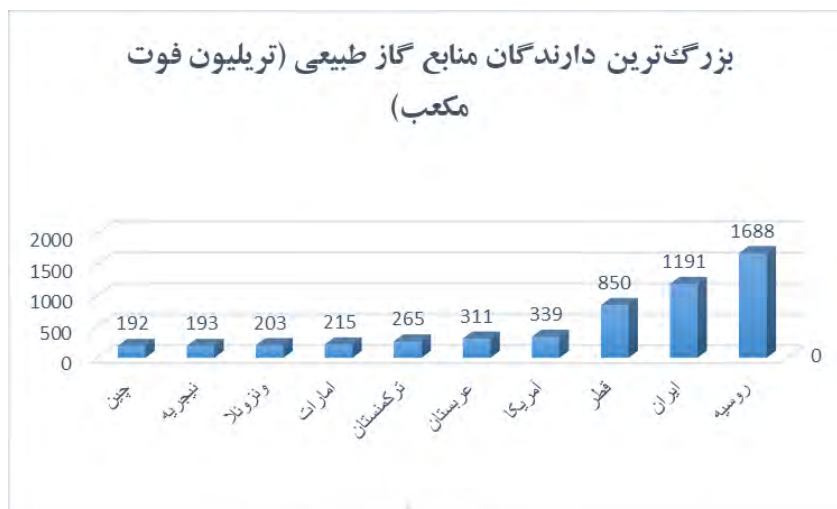
منابع انرژی به‌لحاظ کمی و کیفی، مهم‌ترین عنصر شکل‌دهنده به جایگاه و قدرت دیپلماسی انرژی کشورهاست. در این میان، ایران با داشتن چهارمین ذخیره بزرگ نفت (قابل تغییر در صورت افزودن حجم میدان تازه کشف‌شده) و دومین منبع گاز طبیعی در جهان، یک از مهم‌ترین منابع هیدروکربنی جهانی را در اختیار دارد (Paraskova, Dec 18, 2018). براساس گزارش‌های ژورنال نفت و گاز، در ژانویه ۲۰۱۸، ایران حدود ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام اثبات‌شده داشته که تقریباً ۱۰ درصد از ذخایر نفت خام جهان و حدود ۱۳ درصد از ذخایر اوپک را شکل می‌دهد (Oil & Gas Journal, December 2017). در این میان، رئیس‌جمهور؛ حسن روحانی در نوامبر ۲۰۱۹، از کشف یک میدان نفتی عظیم و جدید خبر داد. به گفته وی، میدان نفتی در جنوب غربی ایران در استان خوزستان کشف شده، ۵۳ میلیارد بشکه نفت در خود دارد و مساحت آن ۲۴۰۰ کیلومتر مربع (حدود ۱،۴۹۱ مایل مربع) امتداد دارد و حدود ۸۰ متر (۲۶۲ فوت)

عمق دارد. به گفته غول انرژی بریتیش پترولیوم، اکتشافات جدید حدود ۳۴ درصد به کل ذخایر آن می‌افزاید (Altaher and Robinson, November 10, 2019) که به معنای ۲۱۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی خواهد بود. نمودار ذیل، وضعیت و جایگاه منابع نفت ایران در میان مهم‌ترین کشورهای دارای این منبع را بدون احتساب میدان نفتی جدید نشان می‌دهد (Oil & Gas Journal, December 2017):



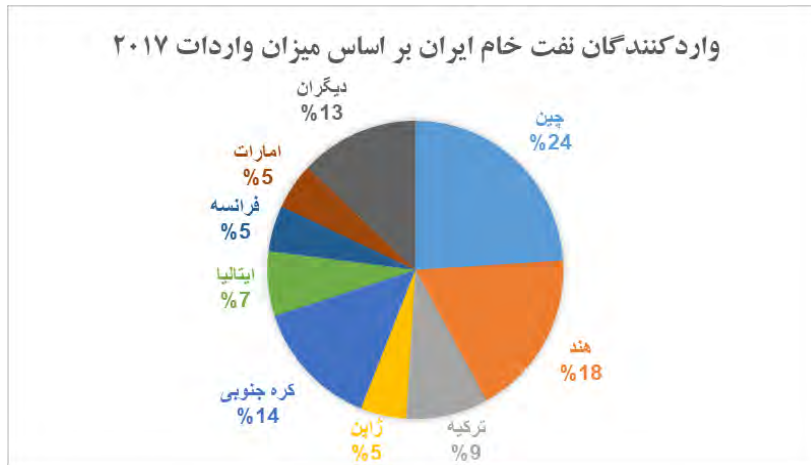
نمودار شماره ۱. میزان ذخایر بزرگ‌ترین دارندگان نفت جهان

حال در کنار منابع نفت و جایگاه این کشور در میان باشگاه کشورهای دارای منابع نفت، طبق گزارش ژورنال نفت و گاز، در دسامبر سال ۲۰۱۷، ذخایر گاز طبیعی ثابت‌شده ایران نیز با حجمی گسترده و قابل توجه، میزان ۱۱۹۱ تریلیون فوت مکعب، یعنی جایگاه دوم پس از روسیه را داشته است. به عبارتی، ایران ۱۷ درصد از ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان و بیش از یک سوم ذخایر اوپک را در این حوزه در اختیار دارد (Oil & Gas Journal, December 2017). این برآورد به قرار نمودار ذیل است (Oil & Gas Journal, December 2017):



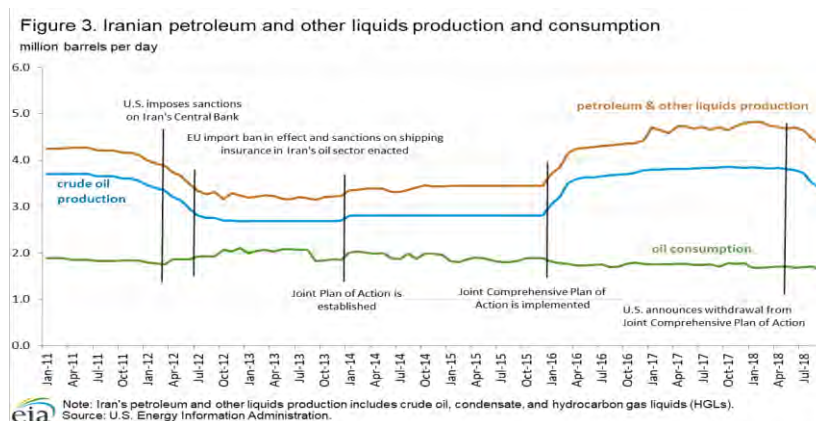
نمودار شماره ۲. میزان ذخایر بزرگ‌ترین دارندگان گاز طبیعی جهان

بنا بر آمارهای اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، در حوزه گاز و با عنایت به موضوع صادرات این منبع، ایران گاز طبیعی را از طریق خط لوله به ترکیه، ارمنستان، آذربایجان و عراق صادر می‌کند. در سال ۲۰۱۷، ایران حدود ۴۵۰ میلیارد فوت مکعب گاز صادر کرده است (U.S. Energy Information Administration, 2019). ایران تقریباً در سال ۲۰۱۷، نزدیک به ۴,۷ میلیون بشکه نفت و سایر میعانات و ۷,۲ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی خشک در سال ۲۰۱۷ تولید می‌کرد (Rystad Energy UCube, January 2018). بر اساس داده‌های ردیابی نفتکش‌ها، میزان صادرات نفت و میعانات نفتی ایران به‌طور متوسط ۲,۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۷، حدود ۰,۲ میلیون بشکه بیشتر از میانگین سال ۲۰۱۶ بوده است (Wheeler and Desai, January 26, 2016). در سال ۲۰۱۷ چین و هند حدود ۴۳ درصد از کل صادرات نفتی ایران را به خود اختصاص داده‌اند و ترکیه و کره جنوبی در طول سال حجم قابل توجهی از این منابع را خریداری کرده‌اند. ژاپن، فرانسه و ایتالیا نیز از کشورهای اصلی واردکننده نفت ایران بوده‌اند (EIA, 2019). نمودار کشورهای پذیرای صادرات نفت خام ایران به نمودار ذیل است (Oil & Gas Journal, December 2017):



نمودار شماره ۳. کشورهای اصلی واردکننده نفت خام ایران تا سال ۲۰۱۷

این میزان صادرات (نفت و گاز) در سال ۲۰۱۷ به معنای درآمدی بالغ بر ۵۵ میلیارد دلار برای کشور در این سال بوده است (Rystad Energy UCube, January 2018). اما به واسطه خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، روند تولید و مصرف انرژی ایران دچار کاهش مداوم شده است. نمودار ذیل، روندهای مرتبط با سیر روند کاهشی تولید و مصرف نفت ایران در طی ماه‌های مختلف سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ را نشان می‌دهد:



نمودار شماره ۴. روند تغییرات تولید و مصرف نفت ایران در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹

در مجموع، با عنایت به آمارها و نمودارهای فوق، می‌توان گفت ایران در حوزه منابع انرژی با تاکید و تمرکز بر نفت و گاز (دو منبع مورد نظر مقاله در حوزه دیپلماسی انرژی)، از کشورهای بسیار مهم و کلیدی در حوزه انرژی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است و در نتیجه، قادر به تقویت بنیان دیپلماسی انرژی خود در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای می‌باشد.

۲-۳. جایگاه کلیدی در ژئوپلیتیک انرژی

ژئوپلیتیک انرژی یکی دیگر از حوزه‌های اصلی شکل‌دهنده به دیپلماسی انرژی ایران می‌باشد و می‌توان آن را نقطه‌ای تکمیلی برای منابع سرشار انرژی در ایران و نیز عامل شکل‌دهنده به تقویت جایگاه آن در اوپک (در بخش بعد مورد بحث قرار می‌گیرد) قلمداد کرد (Friedman, September 16, 2019). به لحاظ مطالعاتی، ژئوپلیتیک انرژی به بررسی نقش و اثر انرژی و زوایای مختلف شکل‌دهنده آن بر سیاست و قدرت و روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها در ابعاد گوناگون می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). به عبارت دیگر، یکی از حوزه‌های اصلی دیپلماسی انرژی مربوط به تحرک اقتصادی و دیپلماتیک کشورهای است که از قابلیت لازم برای تولید انرژی برخوردارند. در کنار

فاکتور منابع، کشورهایی که از موقعیت ژئوپلیتیکی مؤثرتری در اقتصاد جهانی بهره می‌گیرند، دارای توان تحرک لازم برای فعال‌سازی دیپلماسی انرژی نیز هستند؛ زیرا موقعیت ژئوپلیتیکی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مزیت نسبی در تولید و انتقال ذخایر اقتصادی محسوب می‌شود (صادقی، فیروزآبادی و آجیلی، ۱۳۹۷).

با عنایت به بحث فوق، حوزه دریای خزر و خلیج فارس از جمله مناطق مهم و استراتژیک تولید نفت و گاز جهان است که فلات قاره ایران در بین آن قرار گرفته است و اهمیت آن در مسائل راهبردی جهان به اندازه‌ای است که ژان گاتمن، پدر جغرافیای سیاسی نوین، می‌گوید: «حوزه خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی جهان است و مهم‌ترین عامل استراتژیک خلیج فارس وجود منابع عظیم نفت و گاز است، به‌گونه‌ای که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نامیده‌اند» (شانا، ۳ خرداد ۱۳۹۱) که در اصلاح به بیضی انرژی نیز شناخته می‌شود و ایران در کانون این بیضی انرژی قرار دارد (Bazoobandi, July 1, 2011).

۹۵

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

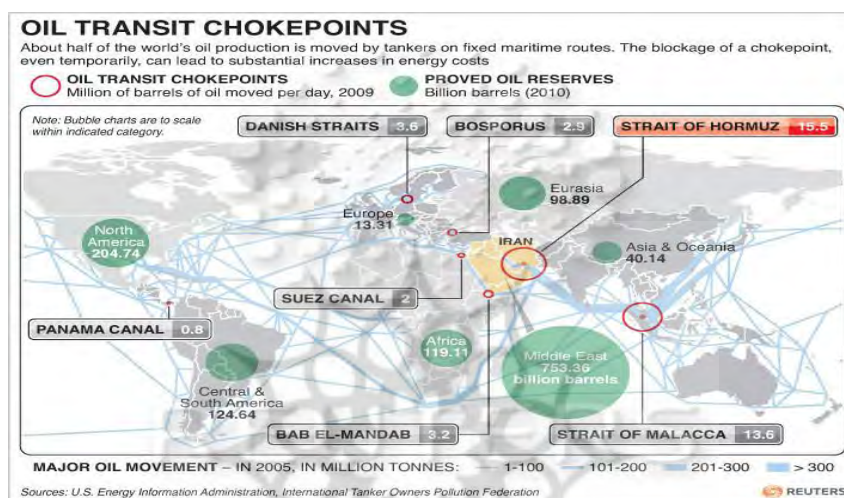
سیاست‌گذاری
منطقه‌ای ایران در
حوزه دیپلماسی
انرژی در چارچوب
اقتصاد سیاسی
منطقه‌ای (۲۰۰۳-
۲۰۱۹)



نمودار شماره ۵. جایگاه ایران در بیضی نفت و گاز جهانی

با عنایت به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در بیضی انرژی (Geopolitical Intelligence Services, 16 December 2014)، کشور ایران به‌علت برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بی‌نظیر، دارای توان ایفای نقش بالایی در مناسبات

بین‌المللی در حوزه تولید نفت و گاز می‌باشد (Montazer Torbati, 2005: 34). در عین حال، با عنایت به گفته گاتمن، می‌توان گفت ایران بر این مخزن نفت جهان، کنترل ژئوپلیتیکی شگرفی دارد، که بر آن اساس، زمینه تعریف ایران به‌عنوان مهم‌ترین کشور در حوزه ژئوپلیتیک انرژی منطقه را فراهم می‌کند.



نمودار شماره ۶. انتقالات انرژی و وضعیت تنگه استراتژیک هرمز، در میان مهم‌ترین تنگه‌های جهانی

نمودار فوق، وضعیت معابر و تنگه‌های استراتژیک بین‌المللی را در حوزه انرژی را بر مبنای میزان نفت انتقالی از آن‌ها به میلیون بشکه نشان می‌دهد. با توجه با این نمودار، تنگه هرمز با عبور بیش از ۱۵ میلیون بشکه نفت در روز، در سال ۲۰۱۰ دارای جایگاه اول در جهان می‌باشد (Letzing, 29 Jul 2019). طبق اطلاعات اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰،۳ میلیون بشکه نفت در روز که از طریق این تنگه در سال ۲۰۱۷ حمل می‌شود تقریباً یک سوم از تجارت جهانی نفت دریایی را در آن سال به خود اختصاص داده است و طبق اطلاعات این اداره، حجم نفت انتقالی در سال ۲۰۱۸ بیش از یک پنجم مصرف جهانی را به خود اختصاص داده است. همچنین در سال ۲۰۱۸، علاوه بر این، بیش از یک چهارم کل تجارت جهانی گاز طبیعی مایع، ۱،۴ میلیون بشکه در روز به‌طور

خاص از طریق تنگه در مسیر خود به ایالات متحده منتقل می‌شود (Letzing, 29 Jul 2019)، و همین فاکتور، با توجه به نفوذ و غلبه ایران بر این تنگه، جایگاه ژئوپلیتیکی کشور را به نمایش می‌گذارد.

مادامی که از وضعیت جایگاه ژئوپلیتیک ایران سخن می‌گوییم؛ ویژگی‌های کلیدی این موقعیت را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

الف) برخورداری از کیلومترها مرز آبی و ارتباط با آب‌های بین‌المللی و قابلیت ایجاد اسکله‌ها و بنادر صادراتی؛

ب) موقعیت جغرافیایی برجسته در منطقه دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان؛
ج) وجود منابع انسانی و دسترسی به آب‌های آزاد و واقع شدن در منطقه انرژی خیز خاورمیانه (صادقی، فیروزآبادی و آجیلی، ۱۳۹۷).

د) کنترل گسترده بر تنگه هرمز نیز از ویژگی‌های دیگر ژئوپلیتیک انرژی ایران است. منابع عظیم نفت و گاز واقع شده در منطقه خلیج فارس و ترانزیت روزانه حدود ۱۷ میلیون بشکه نفت خام از تنگه هرمز، قدرت شگرفی به کشوری که بتواند بر تحولات امنیت انرژی آن تاثیرگذاری داشته باشد، می‌دهد (Mills, April 2016).

ه) واقع شدن در دو کانون ژئوپلیتیک انرژی؛ ایران به همراه منطقه‌ای خلیج فارس و دریای خزر در مجموع ۷۰ درصد از ذخایر شناخته شده نفت و ۴۰ درصد از ذخایر گازی جهان را داراست، با وجود اهمیت ناچیز حوزه خزر نسبت به خلیج فارس، اما این منطقه، هیچ راهی بهتری از ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد و گرم ندارد و این بر اهمیت ژئوپلیتیک انرژی ایران افزوده است (عزتی و گل‌افروز، ۱۳۹۲). مناطقی که جفری کمپ، یکی از ناظران عالی امریکایی در زمینه ژئوپلیتیک معتقد است این دو منطقه تولیدکننده و انتقال‌دهنده انرژی در قرن بیست و یکم خواهند بود و از آن به عنوان «بیضی استراتژیک انرژی» یاد می‌کند (Kemp, 1997: 16).

با عنایت به این ویژگی‌ها و نیز نقشی که ایران در حوزه ژئوپلیتیک انرژی در سه بخش برخورداری از منابع چشم‌گیر انرژی؛ قرارگیری در موقعیت کانونی منابع انرژی جهان یا بیضی انرژی و در نهایت کنترل بر مهم‌ترین تنگه استراتژیک انتقال نفت در

جهان، از موقعیت ژئوپلیتیک انرژی شگرفی برخوردار است و می‌توان این کشور را مهم‌ترین بازیگر در این حوزه دانست.

۳-۳. نقش کلیدی در اوپک

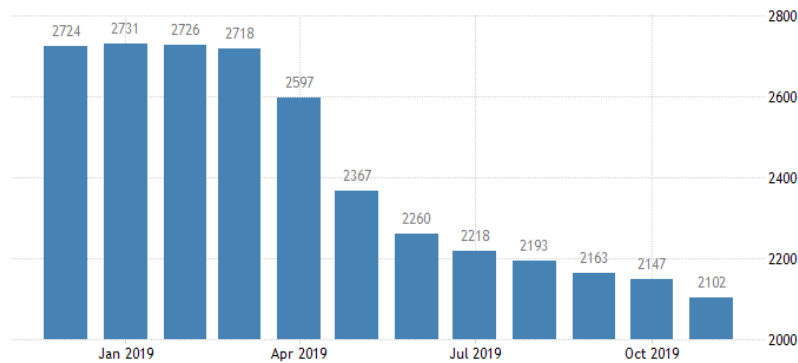
با عنایت به دو حوزه کلیدی فوق، می‌توان جایگاه و اهمیت ایران در اوپک را درک نمود. سازمانی که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۰ توسط برخی از کشورهای صادرکننده نفت، با هدف محافظت از منافع آن‌ها و به پیشنهاد ابتکاری ونزوئلا تأسیس شد، که به اختصار «اوپک» نامیده شد. این توافق در پایان مذاکرات نمایندگان این کشورها در بغداد حاصل شد (Vassiliou, 2009). این سازمان، اکنون دارای ۱۴ عضو می‌باشد، که همگی از مهم‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز جهان هستند (OPEC, 2019).

از آنجا که کشورهای عضو آن اکثریت ذخایر نفت خام (۷۹,۴ درصد، طبق وب سایت اوپک) را در اختیار دارند، این سازمان از قدرت قابل توجهی در این بازارها برخوردار است و توانسته برای دوره‌هایی خصوصاً در دهه ۱۹۷۰، صنعت وابسته با نفت غرب و اروپا را تحت تأثیر شدید هم‌بستگی هرچند شکننده داخلی قرار دهد (Chen, Sep 6, 2019). البته با وجود این معیارها که به اهمیت اوپک می‌پردازند، نباید فراموش کرد که از بارزترین ویژگی منفی اوپک نامتجانس بودن، پراکندگی جغرافیایی، توسعه نیافتگی و وابستگی به درآمد نفت می‌باشد (شهریاری، فیروزان و فرازمنند، ۱۳۹۸).

کشور ایران حدود ۱۱ درصد کل جمعیت اوپک و ۱۲ درصد کل مساحت این سازمان را دارا می‌باشد. تولید ناخالص داخلی سرانه ایران کمتر از متوسط اوپک و حدود ۹,۹ درصد کل تولید ناخالص داخلی این سازمان را به خود اختصاص داده است (نظری، خداپرست و سیفی، ۱۳۹۶). روند تولید و صادرات نفت خام ایران را طی سال‌های ۱۹۷۳ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهد، ایران طی بیش از پنج دهه که از عمر تشکیل این سازمان می‌گذرد، به‌طور معمول در بیشتر سال‌ها مقام دوم اوپک را از لحاظ تولید و صادرات داشته و براساس اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نیز حفظ مقام دومی در اوپک از اولویت‌های این بخش است (نظری، خداپرست و سیفی، ۱۳۹۶). که البته، با وجود مساله تحریم‌ها، ایران در برآوردن این هدف، هم‌زمان با بازخیزش عراق جهت افزایش

تولید و صادرات نفت، با مشکلاتی جدی مواجه است. البته، ایران هم مدعی است و هم این توانایی را دارد، که به‌عنوان یک عضو استراتژیک در اوپک که نقش پایه‌گذار در آن داشته، در صورت احساس تهدید اقتصادی از عدم فروش نفت، یا تلاش اوپک برای تهدید منافع خود، این نهاد و نیز تحولات انرژی جهانی را مورد تهدید قرار دهد (Jaffe, October 29, 2019)، امری که در بخش تقابل‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ایران که در سال ۱۳۹۵ صادرات نفت خام آن در نتیجه اجرای برجام جهش کرده و به مرور به بالاتر از ۲,۲ میلیون بشکه در روز رسیده بود و در آن زمان تولید نفت خام ایران نیز در یک قدمی تکرار رکورد ۴ میلیون بشکه در روز قرار داشت؛ به طوری که اواخر آن سال در توافق اولیه کاهش تولید اوپک سطح تولید مرجع ایران ۳,۹۷۵ میلیون بشکه در روز در نظر گرفته شد. با بازگشت تحریم‌های آمریکا در سال ۱۳۹۷ دوباره نمودار تولید و صادرات نفت خام ایران روندی نزولی به خود گرفت. اگر گزارش ماه مارس اوپک بر اساس اطلاعات منابع ثانویه را ملاک قرار دهیم، تولید نفت خام ایران ۲,۶۹۸ هزار بشکه در روز بوده است. در این وضعیت، به دلیل تلاطم سیاسی و اقتصادی که در دنیا حاصل شد و سرمایه‌گذاری‌هایی که در کشور عراق صورت گرفت، جای ایران تغییر کرد و از جایگاه دوم به سوم رسید و در نهایت بر اثر تحریم‌های یک‌جانبه‌ای که علیه کشور وجود داشت، پایگاه کشور ضعیف شده و تولید آن کاهش پیدا کرد و در جایگاه پنجم اوپک قرار گرفته است (فکری، ۵ تیر ۱۳۹۸) که تا اواخر اکتبر به کمتر از ۲,۲ میلیون بشکه رسیده است و روند کاهشی نیز پس از آن ادامه داشته است. از ژانویه سال ۲۰۱۹، اوپک به دلیل نگرانی از کاهش قیمت نفت، تولید را ۱,۲ میلیون بشکه در روز به مدت شش ماه کاهش داد و این توافق نامه را برای ۹ ماه دیگر در ژوئیه ۲۰۱۹ تمدید کرد (Chen, Sep 6, 2019) امری که اگر مشمول ایران در وضعیت تحریم باشد، برای کشور آسیب‌زا خواهد بود. نمودار میله‌ای ذیل، وضعیت تولید نفت ایران، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اعضای اوپک را نشان می‌دهد.



SOURCE: TRADINGECONOMICS.COM | ORGANIZATION OF THE PETROLEUM EXPORTING COUNTRIES

نمودار شماره ۷. وضعیت تولید نفت ایران در سال ۲۰۱۹

وضعیت و جایگاه ایران در اوپک، به عنوان سومین حوزه شکل دهنده دیپلماسی انرژی کشور در بستر اقتصاد سیاسی منطقه، بر واقعیت موقعیت کلیدی ایران در این نهاد صحنه گذاشته و در نتیجه می تواند به عنوان فاکتوری کلیدی و قدرت ساز در سیاست های منطقه آن در کنار دو فاکتور پیشین مورد استفاده قرار گیرد. حال به عنایت به این، به خوانشی از زمینه های تعامل و تقابل در جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصادی سیاسی منطقه ای از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ پرداخته خواهد شد.

۴. حوزه های تقابل ج.آ ایران در زمینه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه ای (۲۰۰۳-۲۰۱۹)

زمینه های تقابل (بخش فعلی) و تعامل (بخش آتی) ایران در زمینه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه ای، شاکله اصلی این نوشتار را بر مبنای فرضیه ای که طراحی شد، شکل می دهند. اساس این بحث نیز بر وضعیت همگونی و غلبه منبع انرژی، خصوصاً نفت خام، بر منابع درآمدی این کشورها، خصوصاً ایران و کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، با تمرکز بر عربستان شکل می دهد.

به لحاظ نظری، اگر سیاست خارجی ایران ریشه در احساس استقلال شدید، پیروی از الگوی فرهنگ مقاومت و نیز ضدیت با هرگونه سلطه خارجی داشته باشد، بدون شک

منابع عظیم انرژی و فروش آن نیز بخش کلیدی در شکل‌دهی به این سیاست از انقلاب اسلامی تا به امروز بوده است (Middle East Institute, April 20, 2012) که توانایی لازم برای پیگیری سیاست‌های مذکور به این کشور داده و می‌توان رفتار تقابلی یا تعاملی ایران را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس آن تحلیل نمود. امری که تحت عنوان دیپلماسی انرژی در تحکیم اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تئوریزه شده است. این روندها نیز زمینه را برای خوانش امنیتی‌شدن از موضوع انرژی در روابط ایران با کشورهای منطقه فراهم نموده است.

۱۰۱

جمهوری اسلامی ایران که برای سراسر دوران چهار دهه عمر خود، از ابتدای انقلاب تا به امروز از وضعیت تحریم‌های یک‌جانبه و غیرمتعارف رنج برده است، به یک برنامه ضمنی کلی در خصوص سیاست دیپلماسی انرژی خود، خصوصاً پس از ۲۰۰۳ به این سو، در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای نائل آمده است. جنگ ۲۰۰۳ آمریکا علیه عراق، توسعه نفوذ این کشور در منطقه و خصوصاً همسایگی ایران زمینه را برای توسعه رویکرد تقابلی ایران در حوزه منطقه‌ای با تمرکز بر موضوع انرژی فراهم نمود. چرا که ایران به خوبی می‌دانست در کنار بهانه‌های مختلف، عامل اصلی حمله به عراق، کنترل منابع نفتی این کشور و نیز نفوذ بر حوزه انرژی منطقه‌ای آن از سوی غرب بوده است (Alhajji, 2004). از همان دوران به بعد، ایران دست به تدوین یک سری سیاست‌های مختلف در حوزه دیپلماسی انرژی خود زد. این سیاست را می‌توان ذیل چند موضوع کلیدی که منجر به نیل ایران به رویکرد تقابلی در قابل تحولات منطقه‌ای در حوزه انرژی شده، می‌توان دسته‌بندی نمود:

نخست؛ بهره‌گیری از جایگاه ژئوپلیتیک انرژی کشور در حوزه امنیت انرژی: ژئوپلیتیک انرژی ایران به این کشور قدرت مانور گسترده‌ای داده است که با توجه به کنترل بر جزایر سه‌گانه جنوبی (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) و نیز کنترل بر گلوگاه اصلی انرژی جهانی، یعنی تنگه هرمز، عاملی برای تقویت جایگاه ایران در حوزه انرژی بوده است (Haynes, JULY 23, 2019). ایران موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیک خود در حوزه تنگه هرمز را از ۲۰۰۳ به این سو تقویت و توسعه داده است. این جایگاه ژئوپلیتیکی به لحاظ تاریخی ایران را نه تنها به عامل و وزنه تعامل‌بخشی در سطح منطقه‌ای بدل نموده، که زمینه را برای ایفای نقش تقابلی ایران در منطقه نیز فراهم آورده است. در



نتیجه، ایران خود را در حوزه دیپلماسی انرژی دارای سطوح متنوعی از دیپلماسی تا ابزارهای نظامی و نیز قهریه می‌داند. لذا، ایران با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی، ایجاد تهدیدها در حوزه انرژی در صورت احساس فشار بر خود (به مانند وضعیت تحریمی)، بهره‌گیری از گروه‌های نیابتی (در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت)، جهت اعمال فشار بر بازار انرژی استفاده می‌کند. هلیما کرفت، رئیس استراتژی جهانی کالا در بازار سرمایه، در این باره معتقد است که: «نفت به یک فشار سنج شکسته برای سنجش تنش‌های خاورمیانه تبدیل شده است. این واکنش ناشی از پس لرزه‌هایی است (Reed, Jan. 7, 2020) که ایران از اعمال فشار بر بازار انرژی و اقتصاد سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی برای نیل به منافع خود از آن آگاه شده است. ایران برای نشان دادن مشی تقابلی خود، که بر مبنای منافع انرژی آن قابل تعریف است، جهت نشان دادن جایگاه و کنترل خود بر تنگه هرمز، در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۹ یک کشتی بزرگ نفت کش انگلیسی را برای مدتی توقیف نمود (Letzing, 29 Jul 2019). این اقدام از سوی قایق‌های شناور سپاه انجام شده بود، که به گفته سردار فدوی، فرماند نیروهای دریایی سپاه در سال ۱۳۹۲ روزانه این نیروها با بیش از ۱۰۰ ناو و قایق در حال گشت‌زنی در خلیج فارس هستند (خبرگزاری فارس، ۲۵ تیر ۱۳۹۲). این گشت‌زنی‌ها از سال ۲۰۰۳ به این سو تشدید شده بود.

در خصوص توانایی ژئوپلیتیکی ایران و بستن احتمالی این تنگه، ایران این کار را به سه دلیل انجام می‌دهد: اول، به عنوان تلاشی برای افزایش قیمت نفت؛ دوم، به ماهیت ایدئولوژیک سپاه پاسداران ایران (جمهوری اسلامی) در پاسخ به بحران‌هایی مانند این با اقدام نظامی نیرومند و خشن باز می‌گردد. سوم این که، آسیب‌پذیری اقتصادی و سیاسی کشورهای عربی خلیج فارس را افزایش می‌دهد. در نتیجه، ایران مادامی که تحریم باشد، کشورهای منطقه‌ای در سطح دشمنان به همراهی با تحریم‌ها و فشار بر ایران تمایل نشان دهند، و نتواند نفت خود را بفروشد، در رویکرد تدافعی خود، فروش نفت را برای دیگران نیز با سختی مواجه خواهد کرد (Barzegar, July 24, 2012) در نتیجه ایران به رویکرد تقابلی در حوزه دیپلماسی انرژی معتقد است. لذا، در دیپلماسی تقابلی انرژی ایران در حوزه اقتصاد سیاسی منطقه‌ای، این کشور دلایل لازم برای بهره‌گیری از رویکرد بستن تنگه هرمز را دارد.

دوم؛ بهره‌گیری از گروه‌های نیابتی در حوزه رفتار تقابلی در حوزه امنیت انرژی: ایران به‌عنوان یک قدرت کلیدی منطقه‌ای، تا حدود زیادی مشی تقابلی و تهاجمی خود را معطوف به عملکرد گروه‌های نیابتی نموده است. این گروه‌های نیابتی در حوزه دیپلماسی انرژی ایران در چارچوب رویکرد تقابلی فعال بوده و زمینه را برای دگرگونی در سیاست‌های انرژی کشورهای منطقه‌ای علیه ایران فراهم کرده‌اند (Haaretz, Sep 15, 2019). لذا، مادامی که جمهوری اسلامی در وضعیت تحریمی اعلام می‌دارد که اگر ایران نفت خود را نفروشد، کشورهای دیگر نیز نخواهند توانست نفت بفروشند، از سویی به قدرت ژئوپلیتیکی انرژی خود در این سخن اتکا دارد و از سوی دیگر نیز بر اصل بهره‌گیری از گروه‌های نیابتی در رفتار تقابلی با کشورهای منطقه، خصوصاً عربستان، امارات و تا حدود کمتری بحرین، که در تلاش برای فشار بر ایران در حوزه انرژی هستند، بازمی‌گردد. چنان‌که امی‌ام جف، تحلیل‌گر شورای روابط خارجی معتقد است؛ «در سال‌های اخیر، ایران زرادخانه‌ای از هزاران موشک از جمله موشک‌های کروز و بالستیک را ایجاد کرده است که قادر است صدمات شدیدی به تأسیسات نفتی در خلیج فارس وارد کند. این کشور همچنین دارای سربازان و جنگجویان نیابتی زیادی است که با تجهیزات موشکی و هواپیماهای بدون سرنشین پراکنده در سراسر منطقه از عراق، لبنان، سوریه و یمن تجهیز شده‌اند» (Jaffe, October 29, 2019). نمونه موردی از این سیاست تقابلی را می‌بایست در حمله ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ حوثی‌های یمن به صنایع نفتی آرامکو در عربستان سعودی دانست، که خسارت سنگینی بر این کشور تحمیل نمود (DiPaola, October 14, 2019). این اقدام نه‌تنها به افزایش قیمت نفت منجر شد، که باعث ایجاد شوک امنیتی در حوزه انرژی خلیج فارس شد.

سوم؛ ایجاد الگوهایی از دوستی و دشمنی در حوزه دیپلماسی انرژی: جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای منطق نظریه مجموعه‌های امنیتی، در سطح روابط و سیاست خارجی منطقه‌ای، که غالباً بر حوزه زیر منطقه خلیج فارس اتکا دارد، توانسته الگوهایی از دوستی و دشمنی را در رویکرد تقابلی خود، برای نیل به منافع نسبی‌اش در ده‌های اخیر و خصوصاً پس از ۲۰۰۳ تا به امروز شکل دهد. در این الگو، کشورهای دوست را می‌توان قطر (فروشنده انرژی و رقیب عربستان) و ترکیه (خریدار انرژی، منتقد عربستان و امارات و نزدیک به قطر) دانست، کشورهای محور بی‌طرفی را می‌توان عمان (خریدار انرژی و نیز

محور میانجی در تحولات تقابلی منطقه‌ای) و کویت (حامی تداوم حیات انرژی منطقه‌ای برای همه کشورهای آن) و کشورهای دشمن را نیز عربستان (رهبر کلیدی محور کشورهای دشمن در مسائل دیپلماسی انرژی)، امارات و بحرین (دو کشور تولیدکننده حامی سیاست‌های عربستان) دانست.

چهارم؛ نتیجه امر از تحولات بالا نیز بسترسازی برای امنیتی‌ساختن مفهوم انرژی در روابط و پیوندهای مقابل ایران با کشورهای منطقه می‌باشد. در نتیجه، اقتصاد سیاسی انرژی منطقه‌ای نیز به شدت به تحولات ناشی از روندهای تداوم‌یابنده از امنیتی‌شدن تقابلی میان ایران و کشورهای محور دشمن یا رقیب (محور بالا) در حوزه انرژی پیش رفته است. در نهایت نیز، ایران با عنایت به این مولفه‌های شکل‌دهنده دیپلماسی انرژی‌اش در سال‌های مورد مطالعه، در عین حفظ زمینه‌هایی از تعادل (موضوع بخش آتی مقاله)، به سمت رویکردهایی از تقابل رفتار در قبال تحولات منطقه‌ای نیز رفته است که در چارچوب امنیتی‌شدن موضوعاتی مرتبط با دیپلماسی انرژی در میان ایران و کشورهای منطقه قابل خوانش است.

ایران که از وابستگی جهانی به نفت خاورمیانه آگاه است، به‌خوبی از قدرت تقابلی در موضوع دیپلماسی انرژی برای فشار بر کشورهای منطقه‌ای بهره می‌برد. تقاضای نفت در اروپا در سال ۲۰۰۵ به اوج خود رسید، اما اقتصاد آن به شدت وابسته به واردات نفت است که بیش از ۸۵ درصد از مصرف نفت منطقه را تشکیل می‌دهد. اروپا تقریباً یک سوم از نفت خود را از روسیه دریافت می‌کند و بخش بزرگی از مصارف خود را نیز از خاورمیانه دریافت می‌کند. ژاپن منابع نفت ندارد و به واردات نفت خام از خاور میانه بسیار وابسته است. واردات نفت خام چین در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است و در سال ۲۰۱۹ به ۱۰,۶ میلیون بشکه در روز رسیده و این میزان بین ۸۰ تا ۸۵ درصد از میزان مصرف نفت این کشور را تشکیل می‌دهد که بخش اعظم آن از خاورمیانه دریافت می‌شود. در نتیجه این کشورها از پیامدهای هرگونه تحمیل جنگ بر ایران و نیز مطالبه رفتار تعاملی با وجود تحریم این کشور آگاه بوده و ایران نیز از کارکردهای رفتار تقابلی در سیاست خارجی خود آگاه است. اما اگر جنگی برای از بین بردن ظرفیت تولید در تأسیسات نفتی ایران از سوی آمریکا یا کشورهای عربی از سوی ایران، در خاورمیانه انجام شود، در دسترس بودن نفت برای یک دوره بسیار طولانی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این

حالت، کشورهای مصرف‌کننده نفت باید از اقدامات حفاظت مانند افزایش بهره‌وری انرژی و سهمیه‌بندی سوخت استفاده کنند (Jaffe, October 29, 2019).

در مجموع، رویکرد تقابلی دیپلماسی انرژی ایران نه از یک منطق تهاجمی که از رویکرد و منطق تدافعی آن در برخورد با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی در این حوزه پیروی می‌کند. چنان که در بخش آتی خواهیم دید، ایران در تلاش است که تعامل با محیط منطقه‌ای در حوزه انرژی را در اولویت قرار دهد، اما مادامی که با رویکرد تهاجمی و نیز فشارهای بیرونی غربی و عربی در این حوزه مواجه می‌شود، به شکل تدافعی از رویکرد تقابلی نیز بهره می‌گیرد. این بهره‌گیری با توجه به حوزه‌های قدرت ایران در حوزه دیپلماسی انرژی که در بخش اول مقاله مطرح شد، به ایران قدرت و توانایی عمل بالایی در منطقه و خصوصاً خلیج فارس داده است.

۱۰۵



سیاست‌گذاری
منطقه‌ای ایران در
حوزه دیپلماسی
انرژی در چارچوب
اقتصاد سیاسی
منطقه‌ای (۲۰۰۳-
۲۰۱۹)

۵. حوزه‌های تعامل ج.آ ایران در زمینه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای (۲۰۰۳-۲۰۱۹)

با وجود تنوع سطوح تقابل ایران و کشورهای منطقه در حوزه دیپلماسی انرژی، که در چارچوب امنیتی کردن مسائل در حوزه دیپلماسی انرژی قابل خوانش است، اما حوزه‌های تعامل از تنوع زیادی برخوردار نیست. با این حال، با توجه به مساله حوزه‌های تعامل جمهوری اسلامی ایران در زمینه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹، لازم به ذکر است که در این بستر پیگیری موضوع دیپلماسی انرژی نیازمند مشارکت با کشورهای منطقه، قدرت‌های بزرگ، شرکت‌های چندملیتی، بازارهای منطقه‌ای و بازارهای جهانی است. هریک از کشورها، شرکت‌ها و سازمان‌های یاد شده، نقش تفکیک‌شده‌ای در ارتباط با دیپلماسی انرژی ایفا می‌نمایند. به‌طور کلی، پیگیری دیپلماسی انرژی نیازمند ایجاد زیرساخت‌هایی است که امکان مشارکت و همکاری چندین بازیگر را امکان‌پذیر می‌سازد. برای درک چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای و بین‌المللی لازم است تا اولاً، ضرورت‌های چندجانبه‌گرایی مورد مطالعه قرار گیرد، ثانیاً، ابزارها و فرآیندهای چندجانبه‌گرایی پیگیری شوند؛ ثالثاً، مدل چندجانبه‌گرایی مشارکتی تبیین و طراحی گردد (مادسن، ۱۳۸۶، ۱۴۲).

در همین راستا و با عنایت به موضوع مقاله، در نگاه به دیپلماسی انرژی به‌عنوان پایه‌ای برای گسترش بازرگانی و تعامل از طریق ارتقای سطح روابط دیپلماتیک، وابستگی متقابل پیچیده به‌عنوان ابزاری برای پیدا کردن راه‌حل‌های مشترک برای مسائل جهانی ظاهر می‌شود. در این رابطه انرژی به‌عنوان مهم‌ترین مزیت نسبی برای جمهوری اسلامی و مشارکت در تأمین امنیت انرژی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در جایگاه کانونی‌ترین نقطه اتصال ایران به جهان برای تحقق برنامه توسعه برون‌گرایانه در اختیار کشور قرار دارد. در عرصه منطقه‌ای، دیپلماسی انرژی ایجاب می‌کند تا اقدامات ویژه‌ای برای شکل دادن به روابط مناسب و رو به پیشرفت با کشورهای عضو اوپک و غیر اوپک (خصوصاً بازیگران منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس، که عامل ایجاد کننده سطوح امنیتی در مسائل فی‌مابین با ایران هستند) که از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی حائز اهمیت می‌باشند، صورت بگیرد. از این رو، در حالی که به‌واسطه خاص بودن نظام جمهوری اسلامی، ایران با عمده روندهای جاری بین‌المللی ناسازگاری و عدم تطابق دارد، باید برای تحقق اهداف کلان خود و برای پیشبرد آن‌ها به ائتلاف و درنهایت، اتحاد بیندیشد؛ زیرا حجم محدود قدرت جمهوری اسلامی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی بدون ائتلاف با دیگر واحدهای سیاسی توانایی جامه عمل پوشاندن به تمامی اهداف بلند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی سیاست خارجی ایران را ندارد (پوراحمدی، ۱۳۸۸). اما، نفت که باعث شباهت اقتصادی کشورهای منطقه شده، نمی‌تواند چندان زمینه را برای ایجاد تعامل و اتحاد در سطح منطقه‌ای در حوزه تولید و فروش در بستر دیپلماسی انرژی فراهم نماید، اما در وهله نخست می‌توان بر موضوع گاز با وجود تحریم‌های فعلی هم متمرکز شد.

بر اساس گزارش چشم‌انداز انرژی ۲۰۱۴ آژانس بین‌المللی انرژی، تقاضای جهانی گاز طبیعی روبه افزایش است. بر اساس این گزارش، سهم گاز طبیعی در ترکیب انرژی مصرفی جهان از ۲۱ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۲۴ درصد در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید. در نتیجه، جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن منابع عظیم گاز طبیعی و موقعیت ژئوپلیتیکی می‌تواند از این فرصت استفاده کند و بازارهای عمده واردکنندگان گاز جهان را در اختیار بگیرد، چراکه در کانون واردکنندگان عمده گاز جهان قرار دارد. سه منطقه آسیای شرقی و جنوبی، اروپا و آمریکای شمالی، بزرگ‌ترین تقاضاکنندگان و واردکنندگان گاز جهان به‌شمار می‌روند؛ زیرا از میزان ذخایر کمی در مقایسه با مصرفشان برخوردارند. در

این بین بازار گاز اروپا از همه مهم‌تر است؛ زیرا تولیدکنندگان عمده گاز در صدد دستیابی به بازارهایی هستند که علاوه بر اینکه از میزان ذخایر خیلی کمی برخوردار باشند، بلکه در فاصله کمی از آن کشورها نیز قرار گرفته باشند (عالیشاهی و سالاروند، ۱۳۹۵: ۲۱). مهم‌تر از آن، مدیریت این تقاضا از سوی ایران و توسط اوپک گازی می‌تواند باشد. ایران با این حجم از گاز طبیعی و نیز نزدیکی به قطر و کویت (دارنده گاز) و دوستی با ترکیه (خریدار اصلی گاز ایران) و نیز اروپا (که تلاش برای دورزدن تحریم‌ها و خرید انرژی از ایران را دارد)، می‌تواند زمینه را برای تعامل منطقه‌ای با حضور کشورهای تولیدکننده اصلی و نیز کشورهای خریدار آن فراهم نموده و نیز پیوند میان تهران و آنکارا در کنار دوحه را در مقابل عربستان تقویت کند. ایران تا سال ۲۰۲۶ با ترکیه قرارداد تأمین گاز دارد و اگرچه گران‌تر از سایرین گاز را به ترکیه می‌فروشد، ولی آنکارا ترجیح می‌دهد به دلیل کیفیت گاز ایران و سهولت نقل و انتقال آن، این معامله را بهم نزد (قهرمان‌پور، ۱۳۹۷). نیاز ترکیه به گاز و عدم پذیرش تحریم‌های غرب به شکل حداکثری در وضعیتی که آنکارا سیاست استقلال عمل بیشتری نسبت به قبل در مقابل غرب پیشه کرده، می‌تواند زمینه تعامل در حوزه دیپلماسی انرژی را فراهم نماید.

اما در حوزه نفتی و برخلاف حوزه گازی در عرصه دیپلماسی انرژی، ضروری است جمهوری اسلامی با وجود سطوح گسترده تنش با عربستان، ایران تلاش داشته تا از یک سیاست دیپلماتیک غیرتنش‌زا در حوزه انرژی با این کشور حمایت کند. فریدون برکشلی؛ رئیس گروه مطالعات انرژی وین معتقد است که ایران و عربستان، با وجود تنش، از ایجاد تنش‌های دیپلماتیک در حوزه انرژی و خصوصاً نشست‌های اوپک اجتناب می‌کنند. از دید او، طی سال‌های اخیر و پس از تیرگی روابط دو کشور هم، هیچ یک از دو کشور لحن توهین‌آمیزی نسبت به یکدیگر به کار نبردند. همچنین، ایران کشوری است که در قبال مصرف‌کنندگان نفت نیز همیشه مسئولانه برخورد کرده (مجله دیپلماسی انرژی، ۱۳۹۷: ۶۶)، و با وجود کنترل بر تنگه هرمز و تهدید به بستن آن، هرگز تلاشی فراگیر (با احتساب ماجرای حمله به آرامکو) برای به خطر انداختن تنگه هرمز و بازار انرژی نگرفته است. در نتیجه این، ضروری است تعامل پایدار در چارچوب اوپک و خصوصاً با عربستان سعودی در حوزه دیپلماسی انرژی در سطح منطقه‌ای با همین منطق تداوم یابد و تعامل در این حوزه در دستورکار قرار گیرد.

در عین حال، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از فاکتور ژئوپلیتیک که عامل اصلی در شکل‌دهی به دیپلماسی انرژی آن در سطح منطقه‌ای است، زمینه را برای وادارکردن کشورهای نفتی خلیج فارس، که غالب آن‌ها در رقابت و تنش با ایران قرار دارند، فراهم نماید. این که ایران در موضوع پیشین می‌کند تا مناسبات دیپلماتیک را با عربستان به شکل محترمانه حفظ کند، مانع این امر نیست که در جهت وادار کردن این کشور و دیگر کشورهای منطقه به تعامل با خود، از ابزار کنترل استراتژیک بر تنگه هرمز بهره‌گیری. این بدان معناست که ایران به‌ماتند اتفاقی که در حمله به آرامکو افتاد (فارغ از این که حوثی‌ها این اقدام را انجام داده‌اند) و نیز با توجه به بیانات مقامات کشور در عرصه‌های مختلف، بر این موضع پافشاری کند که درآمد حاصل از فروش نفت و انتقال آن از تنگه هرمز یا برای همه باشد و یا برای هیچ کس (Aljazeera, 30 Sep 2019). افزایش هزینه‌های کشورهای منطقه در منزوی ساختن ایران، می‌تواند آن‌ها را به تعامل ناخواسته با ایران وادارد. تعاملی که می‌تواند زمینه را برای تنفس هرچند محدود ایران فراهم نماید. چنان که پیش‌تر نیز گفته شد، دیپلماسی انرژی می‌تواند به مانند دیگر حوزه‌های دیپلماسی، بر بستریابی از تنش و نیز توانایی نظامی متکی باشد.

نتیجه‌گیری

در پایان و به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌تواند گفت رویکرد ایران در حوزه دیپلماسی انرژی در بستر اقتصاد سیاسی منطقه‌ای از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹، بر مبانی بهره‌مندی از ظرفیت‌های گسترده انرژی در حوزه نفت و گاز، اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی و نیز جایگاه کلیدی در سازمان کشورهای صادرکننده نفت یا اوپک تکیه دارد. این ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل، به ایران اجازه فعال نمودن همزمان یک استراتژی درهم‌کنشانه در دو سر طیف تعامل و تقابل را داده است. همان‌اندازه که تعامل‌گرایی ایران در دیپلماسی انرژی بر یک حقیقت ذاتی و درونی سیاست خارجی کشور در مناسبات دوستانه با کشورهای همسایه قرار دارد، به همان اندازه و در طیف مقابل آن، رویکرد تقابلی کشور بر نوع رفتارهای بیرونی، مشی تهاجمی کشورهای منطقه‌ای چون عربستان و نیز حضور آمریکا در منطقه، تکیه دارد. در نتیجه، ایران رویکرد تقابلی خود را یک ارائه تدافعی می‌داند، بدین معنا که تا شاهد رفتار تخصمی بیرونی نباشد، به اقدام تقابلی دست نخواهد زد.

در این میان، با عنایت به فرضیه مقاله که در آن آمده بود «به نظر می‌رسد که دیپلماسی انرژی ایران با توجه به بستر اقتصادی سیاسی منطقه‌ای در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹، از الگوهای از تقابل گسترده و تعامل ناچیز پیروی کرده که زمینه را برای تبدیل شدن فاکتور انرژی به یک ابزار امنیتی‌ساز در روابط متقابل ایران با خاورمیانه، فراهم نماید»، به تأیید فرضیه مذکور با توجه به محتوای یافته‌های مقاله رسیده است. بدین معنا که ایران در حوزه انرژی در سال ۲۰۰۳، جنگ آمریکا علیه عراق را برای کنترل منابع نفتی منطقه تجربه نموده، تحریم‌های غرب را در خصوص پرونده هسته‌ای شاهد بوده، که هدف آن نیز هجوم به تولید نفت کشور و تحریم آن بوده و در نهایت نیز این اقدامات با همکاری عربستان سعودی با غرب برای اعمال فشار بر ایران همراه بوده است. نتیجه این اقدامات، تحمیل رویکرد تقابلی بر کشور، بر مبنای دیپلماسی دفاع مشروع از خود با توجه به توانایی‌های بالفعلش در حوزه انرژی در منطقه بوده است.

با توجه به فرایند امنیتی‌ساختن در مکتب کپنهاگ نیز که شامل سه مرحله است: (۱) شناسایی تهدیدات اساسی؛ (۲) اقدام اضطراری و فوری؛ و (۳) ایجاد تأثیر بر روابط بین‌واحد (شامل رویه‌های بوروکراتیک بناشده) به وسیله نقض قوانین، شاهدیم که موضوع انرژی و دیپلماسی انرژی در سطح منطقه به یک برساخت امنیتی در میان بازیگران منطقه‌ای و نیز کشورهای مداخله‌گر فرامنطقه‌ای در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه بدل شده است. بدین صورت که در رویکرد تقابلی، چه ایران و چه دیگر بازیگران منطقه‌ای، دست به خوانش امنیتی از تهدیدات اساسی علیه خود در حوزه انرژی زده‌اند. در اقدام متقابل، کشورهای عربی با سرکردگی عربستان، از تحریم ایران و اعمال فشار بر آن حمایت کرده‌اند. در مقابل ایران نیز از توانایی خود برای کنترل تنگه هرمز و نیز دسترسی به گروه‌های نیابتی برای امنیتی‌ساختن موضوعات مبتلا به انرژی در منطقه دست زده است.

منابع

- آقابخشی، علی. (۱۳۷۹). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: نشر نوبهار.
- پوراحمدی، حسین. (۱۳۸۸). *ندیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، *دوفصلنامه علمی دانش سیاسی*، دوره ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰.

حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۹۰). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، تهران: نشر پاپلی. خیرگزاری فارس (۲۵ تیر ۱۳۹۲)، گشت زنی ۱۰۰ شناور سپاه در خلیج فارس / آمریکایی‌ها همه جا ما را می‌بینند، قابل دسترس در:

<https://www.farsnews.com/news/13920625001479>

سجادپور، سیدمحمدکاظم. (۱۳۹۰). «ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل و ژئوپلیتیک انرژی ایران (بررسی موردی: حوزه دریای خزر)»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۸.

شانا (۳ خرداد ۱۳۹۱)، *موقعیت استراتژیک ایران در میان دو قطب انرژی*، قابل دسترس

در: <https://www.shana.ir/news/189376>

شهریاری، سلطانعلی، فیروزان سرنقی، توحید، فرازمنند، نیما. (۱۳۹۸). «بررسی سیاست‌های نفتی ایران در اوپک براساس نظریه بازی‌ها»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۹، شماره ۱.

صادقی، اکبر؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و آجیلی، هادی. (۱۳۹۷). «بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال یازدهم، شماره ۴۳.

عالیشاهی، عبدالرضا و سالاروند، معصومه. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶»، *مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، دوره ۳، شماره ۹.

عبدالله‌خانی، علی. (۱۳۸۵). «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نهم، شماره سوم

عزتی، عزت‌الله و گل‌افروز، محمد. (۱۳۹۲). «راهبرد قدرت هوشمند ایران و نقش ژئوپلیتیک انرژی (نفت و گاز) در پیشبرد آن»، *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم انداز جغرافیایی)*، دوره ۸، شماره ۲۴.

عالیشاهی، عبدالرضا و سالاروند، معصومه. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، دوره ۳، شماره ۹.

فکری، مریم (۵ تیر ۱۳۹۸)، آینده‌نگری سرنوشت ایران در اوپک با توجه به افت تولید، خبرگزاری خبر آنلاین، قابل دسترس در:
<https://www.khabaronline.ir/news/1273559>
قهرمان‌پور، رحمان. (۱۳۹۷). «انرژی؛ پل استراتژیک تهران-آنکارا»، *مجله دیپلماسی انرژی*، شماره یازدهم.

کوزه گر کالجی، ولی و داداندیش، پروین. (۱۳۸۹). «بررسی انتقادی نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه قفقاز جنوبی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۵۶. مادسن، جولیان. (۱۳۸۶). *جایگاه ایران در محاسبات استراتژیک چین*، ترجمه علی حسین‌زاده، تهران: مرکز پژوهش‌های خلیج فارس.

مجله دیپلماسی انرژی (آبان ۱۳۹۷)، گفت و گو با فریدون برکشلی؛ رئیس گروه مطالعات انرژی وین، *مجله دیپلماسی انرژی*، شماره ازدهم.

نظری، روح‌اله، خداپرست مشهدی، مهدی و سیفی، احمد. (۱۳۹۶). «تحلیل رفتار ایران در سازمان اوپک: کاربردی از مدل‌های مارکف سوئیچینگ»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، سال هفدهم، شماره دوم.

هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۰). «امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و ساز و کارها»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره اول.

یاری، احسان و رضایی، دانش. (۱۳۹۶). «دیپلماسی و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره دوم، شماره ۲۱.

Alhajji, A. F. (2004). U.S. ENERGY POLICY AND THE INVASION OF IRAQ: DOES OIL MATTER? *The Journal of Energy and Development*, Vol. 29, No. 2, pp. 209-232.

Aljazeera. (30 Sep 2019). **Saudi oil attack: All the latest updates**. At: <https://www.aljazeera.com/news/2019/09/saudi-oil-attacks-latest-updates-190916102800973.html>

Altaher, Nada and Robinson, Matthew (November 10, 2019). **Iran has discovered an oil field with an estimated 53 billion barrels of crude**, Rouhani says, CNN. At: <https://edition.cnn.com/2019/11/10/business/iran-new-oil-field-intl/index.html>

Barzegar, Kayhan. (July 24, 2012). Iran's Strategy in the Strait of Hormuz, *The Diplomat*. At: <https://thediplomat.com/2012/07/irans-strategy-in-the-strait-of-hormuz/>

- Bazoobandi, Sara. (July 1, 2011). Sanctions prompt Iran to remain relevant in the global energy calculus, **The Atlantic council**. At: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/energysource/sanctions-prompt-iran-to-remain-relevant-in-the-global-energy-calculus/>
- Buzan, Barry. (1991). **People, State and Fear: The National Security Problem in International Relation**, London, Harvester: Wheatsheaf.
- Buzan, Barry and Wæver, Ole. (2003). **Regions and Powers: The Structure of International Society**, Cambridge, United Kingdom: The Press Syndicate of the University of Cambridge. pp. 6–20, 41–47, 77–82. ISBN 0 521 81412 X.
- Chen, James. (Sep 6, 2019). What Is the Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)? **Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)**, Investo Pedia. At: <https://www.investopedia.com/terms/o/opec.asp>
- DiPaola, Anthony. (October 14, 2019). Saudi Aramco Says Damage From Drone Attacks That Plunged World Oil Market Into Chaos Is Already Fixed, **Fortune**. At: <https://fortune.com/2019/10/14/saudi-aramco-oil-drone-attacks-damage-fixed/>
- Friedman, George (September 16, 2019). The Geopolitics of Iran's Refinery Attack, **Geopolitical Futures**. At: <https://geopoliticalfutures.com/the-geopolitics-of-irans-refinery-attack/>
- Geopolitical Intelligence Services (16 December 2014). **Iran gas an option for Europe as Russia leaves energy gap**. At: <https://www.gisreportsonline.com/iran-gas-an-option-for-europe-as-russia-leaves-energy-gap,energy,383,report.html>
- Griffiths, Steven (2019). Energy diplomacy in a time of energy transition, **Energy Strategy Reviews**, Volume 26.
- Griffiths, Steven (November 2019). Energy diplomacy in a time of energy transition, **Energy Strategy Reviews**, Volume 26, 100386.
- Gupta, M. (2010), **Indian Ocean Region: Maritime Regimes for Regional Cooperation**, London: Springer.
- Haaretz (Sep 15, 2019). **Explained Attack on Saudi Oil Infrastructure 'Serious Escalation' in Proxy War with Iran**. At: <https://www.haaretz.com/middle-east-news/attack-on-saudi-oil-infrastructure-serious-escalation-in-proxy-war-with-iran-1.7843934>
- Haynes, Suyin (JULY 23, 2019). The Strait of Hormuz Is at the Center of Iran Tensions Again. Here's How the Narrow Waterway Gained Wide Importance, **The Time**. At: <https://time.com/5632388/strait-of-hormuz-iran-tanker/>
- Jaffe, Amy M. (29 October 2019). How Iran Can Hold the World Oil Market Hostage, **Council on Foreign Relations**. At:

- <https://www.cfr.org/article/how-iran-can-hold-world-oil-market-hostage>
- Jaffe, Amy M. (3 July 2019). Iran, the Strait of Hormuz, and the Ever-Complex Geopolitics of Oil, **Council on Foreign Relations**. At: <https://www.cfr.org/blog/iran-strait-hormuz-and-ever-complex-geopolitics-oil>
- Jaffe, Amy M. (October 29, 2019). How Iran Can Hold the World Oil Market Hostage, **Council on Foreign Relations**. At: <https://www.cfr.org/article/how-iran-can-hold-world-oil-market-hostage>
- John Letzing (29 Jul 2019). Why is the Strait of Hormuz so important? **World Economic Forum**. At: <https://www.weforum.org/agenda/2019/07/why-is-the-strait-of-hormuz-so-important/>
- Kemp, G. (1997). **Energy Superb owl: Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin**, Washington D.C: Nixon Center for Peace and Freedom.
- Kneissl, Karin (2011). **Energy diplomacy: soft skills diplomacy and/or power-politics?** OSCE Conference in Ashgabat.
- Letzing, John (29 Jul 2019). Why is the Strait of Hormuz so important? **World Economic Forum**. At: <https://www.weforum.org/agenda/2019/07/why-is-the-strait-of-hormuz-so-important/>
- Maloney, Suzanne (April 21, 2016). **Saudi Arabia's clumsy oil diplomacy**, Brookings. At: <https://www.brookings.edu/blog/markaz/2016/04/21/past-is-prologue-saudi-arabias-clumsy-oil-diplomacy/>
- Mason, Robert (2014). **Foreign Policy in Iran and Saudi Arabia: Economics and Diplomacy in the Middle East** (Library of Modern Middle East Studies), Library of Modern Middle East Studies, Publisher: I.B.Tauris.
- Middle East Institute (April 20, 2012). **Understanding Iranian Foreign Policy**. At: <https://www.mei.edu/publications/understanding-iranian-foreign-policy>
- Mills, Robin (April 2016). **Risky Routes: Energy Transit in the Middle East**, Brookings Doha Center Analysis Paper, Brookings Institution.
- Montazer Torbati, Hasan (2017). **Iran's gas reach to Europe through pipeline**, [In Persian], Year 2, Number 11.
- Oil & Gas Journal (December 2017). **Worldwide look at reserves and production**. At: <https://www.ogj.com/home/article/17211002/worldwide-look-at-reserves-and-production>

- Paraskova, Tsvetana (Dec 18, 2018). **Iran Claims It Holds The Most Oil, Gas Reserves In The World**, Oil Price. At: <https://oilprice.com/Energy/Energy-General/Iran-Claims-Its-Holds-Most-Oil-Gas-Reserves-In-The-World.html>
- Reed, Stanley (Jan. 7, 2020). Why Oil Prices Are Up Only Modestly Since the Suleimani Killing, **The New York Times**. Ar: <https://www.nytimes.com/2020/01/07/business/energy-environment/iran-oil-soleimani.html>
- Rystad Energy UCube (January 2018). **Gas production data**, at: <https://www.rystadenergy.com/newsevents/news/press-releases/middle-east-gas-production-to-surpass-Russia-in-2019/>
- Sadjadpour, Karim (JULY 2011). the United Arab Emirates and the U.S.-Iran Cold War, Carnegie Endowment for International Peace, Washington, D.C.
- The Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC) (2019). **Member Countries**. At: https://www.opec.org/opec_web/en/about_us/25.htm
- Trading Economics (2019). **Iran Crude Oil Production**. At: <https://tradingeconomics.com/iran/crude-oil-production>
- U.S. Energy Information Administration (2019). **IRAN**. At: <https://www.eia.gov/beta/international/analysis.php?iso=IRN>
- Vassiliou, M.S. (2009). **Historical Dictionary of the Petroleum Industry**, Scarecrow Press. At: https://books.google.com/books?id=bBvz_Yx1B-AC&pg=PA7#v=onepage&q&f=false
- Wheeler, Eric and Desai, Michael (January 26, 2016). Iran's Renewable Energy Potential, **Middle East Institute**, Washington D.C.
- Williams, Michael C. (2003). "Words Image Enemies: Securitization and International Politics", *International Studies Quarterly*, Vol. 11, No. 2.